

ضرورت منطقه‌گرایی پولی در گروه شش به علاوه یک^۱

محمود متوسلی و علی بی‌نیاز^۲

۱. مقدمه

عبارت "ضرورت منطقه‌گرایی پولی در گروه شش به علاوه یک" به ضرورت ایجاد اتحادیه پولی بین شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایران اشاره دارد که اساس پیشنهاد این نوشتار را تشکیل می‌دهد. بررسی‌های آماری ما نشان می‌دهد که حجم تجارت کالایی ایران و شورای همکاری خلیج فارس طی سال‌های اخیر به شکل چشم‌گیری افزایش یافته است. به عنوان مثال، به طور متوسط طی سال‌های ۹۹-۱۹۹۷ میلادی، ۹/۳ درصد از کل تجارت خارجی ایران با ترکیبی عمدتاً غیرنفتی در شعاعی کمتر از ۲۰۰۰۰ کیلومتر از تهران صورت گرفته است که ۵۹ درصد از آن به تجارت با شورای همکاری اختصاص داشته است. همچنین براساس تخمین ما از معادله جاذبه تجارت خارجی دوجانبه ایران برای سال‌های ۹۹-۱۹۹۰ میلادی، به طور متوسط هر عضو شورای همکاری خلیج فارس بیش از $21.87 = (1 - e^{3.13})$ برابر بیشتر از یک کشور معمولی دیگر در مجموعه داده‌های مورد آزمون ما، با ایران تجارت داشته است.^۳ این به آن معنی است که کشورهای گروه شورای همکاری پس از خاتمه

۱. نویسندگان مراتب تشکر خود را از پروفسور میکل فریتانی (Michele Fratianni)، استاد دانشگاه ایندیاناپلیس آمریکا به خاطر راهنمایی‌های علمی و توصیه‌های ارزنده در این تحقیق ابراز می‌دارند.

۲. دکتر محمود متوسلی، دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و دکتر علی بی‌نیاز، مدرس دانشگاه و کارشناس وزارت امور خارجه هستند.

۳. عدد ۲۱/۸۷ قدری اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. بخشی از این عدد مربوط به عوامل نزدیکی بین ایران و این

جنگ ایران و عراق، به سرعت در جهت تقویت هم پیوندی تجاری خود با ایران گام برداشته و شرایط عمومی خارجی کشور به شکل ناباورانه‌ای بر منافع اقتصادی ناشی از این هم پیوندی تجاری و در نتیجه بر سرعت آن در دو طرف افزوده است.

بنابراین لازم است ایران و کشورهای شورای همکاری برای نهادینه نمودن تمایل تجاری خود و تقویت هم پیوندی‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی به یک استراتژی بلندمدت پولی دست بزنند و به این وسیله، ضمن در امان گرفتن تجارت خود از زیان‌های ناشی از نوسان نرخ ارز، افزایش تجارت و یادگیری‌های تراکمی ناشی از همکاری^۱، جنگ با تورم، رشد بادوام اقتصادی، دستیابی به امنیت منطقه‌ای و ثبات پایدار سیاسی و تجهیز به صدای واحد منطقه‌ای را به دست آورند.

پی‌گیری این استراتژی نه تنها با اصول ۳، ۱۵۳ و ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر منع دخالت دادن بیگانگان در اداره منابع مالی و اقتصادی کشور مغایرتی ندارد، بلکه مصداقی است از اولین اجرای هدفمند و سیستماتیک اصل یازدهم قانون اساسی که در آن نقش دستگاه دیپلماسی کشور از نظر سمت و سو دادن به همکاری‌ها و طراحی سازمان مناسب پیش‌برنده اهداف اتحادیه، در میان همه دستگاه‌های اجرایی کشور، منحصر به فرد است. اما پیشنهاد مذکور ممکن است از دو جهت با اعتراض مواجه شود:

نخست این که، کشورهای گروه فرضی "شش به علاوه یک" منطقه بهینه پولی (OCA)^۲ نیستند و دوم این که تشکیل یک اتحادیه پولی متمرکز^۳ در این کشورها با فقدان اراده لازم سیاسی از سوی دولت‌های آنان مواجه است.

کشورها، مانند مرز مشترک، راه آبی مشترک، فرهنگ و زبان مشترک و غیر آن می‌باشد که ما می‌توانستیم از طریق معرفی متغیرهای مجازی در معادله جاذبه آن را از عدد فوق خارج نماییم. حتی با وجود این تعدیل، به دلیل بزرگی اثر، نتیجه حاصله به نظر نمی‌سد تغییر نماید.

1. Cumulative logic of Integration

2. Optimum Currency Area. (OCA)

۳. اتحادیه پولی متمرکز (Centralized Monetary Union) در واقع در نقطه مقابل اتحادیه پولی غیرمتمرکز (Decentralized Monetary Union) قرار دارد که ما در جای دیگر آن را برای هم پیوندی پولی میان ایران و منطقه یورو پیشنهاد کرده‌ایم و در خصوص سه شکل مختلف آن، یعنی یوروایزاسیون، نظام میخ‌کوب ارزی و تشکیل برد پولی بحث نموده‌ایم. اما چنان اتحادیه‌ای، در حال حاضر، از نظر سیاسی فقط چشم‌اندازی یک جانبه دارد و بنابراین نسبت به پیشنهاد این نوشتار مرجوح به شمار می‌رود.

در پاسخ به اعتراض اول، ما از بصیرت‌های حاصل شده پس از تشکیل منطقه پولی اروپا^۱ استفاده می‌کنیم و بر بعد مالی در تشکیل یک منطقه پولی تأکید می‌ورزیم. به نظر ما کشورهای گروه شش به علاوه یک، به دلیل برخورداری از سرمایه مالی قابل توجه در بخش عمومی و خصوصی خود، دارای مزیت نسبی در شکل دهی به یک منطقه پولی بادوام هستند. ضمن آن که بررسی‌های ما نشان می‌دهد که مناطق پولی شکل گرفته در تاریخ جهان، حتی موفق‌ترین آنان، یعنی منطقه پولی یورو، هیچ‌گاه معیارهای اقتصادی منطقه بهینه پولی را برآورده ننموده‌اند.

در پاسخ به اعتراض دوم، ما از آموزه‌های تاریخی مربوط به مناطق پولی جهان استفاده نموده و با تأکید بر عنصر امنیت، به مشکلات ساختار امنیتی و مزایای ژئواکونومیک کشورهای گروه فرضی شش به علاوه یک در تشکیل یک منطقه پولی اشاره می‌کنیم. به نظر می‌رسد در شرایط نوین میل جهان به منطقه گرایی، ویژگی‌های ساختاری و نهادی این کشورها در کنار خصوصیات اجتماعی و سیاسی مردمان آنها، منطقه گرایی با موتور محرکه پولی را به اقدامی ارزنده و بلکه ضرورتی غیرقابل اجتناب تبدیل نموده است.

با این پیش درآمد، سازمان بقیه مطالب این مقاله به قرار زیر است: قسمت دوم، با اشاره به بصیرت‌های حاصل شده پس از منطقه پولی اروپا. درخصوص صلاحیت کشورهای گروه فرضی شش به علاوه یک برای تشکیل اتحادیه پولی متمرکز^۲ اظهار نظر می‌نماید. قسمت سوم از بعد سیاسی و امنیتی هزینه منطقه گرایی پولی در گروه شش به علاوه یک را به بحث می‌کشاند و قسمت چهارم با بحث درخصوص جایگاه کشورهای گروه فرضی شش به علاوه یک در منطقه گرایی‌های پولی آینده جهان، ایده‌ای را نسبت به هزینه‌های بیرون ماندن از ترتیبات پولی جهان به دست می‌دهد.

۲. آیا گروه شش به علاوه یک، یک منطقه بهینه پولی است؟

برای پاسخ دادن به این پرسش، ابتدا باید ببینیم تاریخچه و تعریف یک منطقه بهینه پولی

1. European Monetary Union (EMU)

۲. اتحادیه پولی متمرکز برخلاف اتحادیه پولی غیرمتمرکز، درگیر در ساخت سازمان‌های مشترک مثل بانک مرکزی اتحادیه و غیر آن می‌شود و در نتیجه ایجاد آن پرهزینه و زمان بر می‌باشد و دشوارتر از ایجاد یک اتحادیه پولی غیرمتمرکز است.

چيست. آنگاه بايد دید آیا مناطق پولی تشكيل شده در جهان توانسته‌اند معيارهای مد نظر ادبيات منطقه بهينه پولی را برآورده نمايند و از اين دو گذشته، پيشنهاد تشكيل منطقه پولی برای کشورهای گروه فرضی شش به علاوه یک براساس معيارهای منطقه بهينه پولی و يا ساير موازين اقتصادی، چقدر قادر است نمره مثبت اخذ نمايد. موضوعات فوق در سه زیر قسمت در زیر بحث خواهد شد.

۱-۲ پيشينه تاريخی و تعريف یک منطقه بهينه پولی

اصطلاح منطقه بهينه پولی با نام رابرت ماندل^۱، برنده جايزه نوبل سال ۱۹۹۹ ميلادی اقتصاد و مقاله او^۲ در سال ۱۹۶۱ ميلادی شناخته می‌شود. منظور از اصطلاح فوق، محدوده‌ای از نظر جغرافيايی بهينه است که در آن وسيله عمومی پرداخت‌ها، یک پول واحد و يا چند پول مختلف است با نرخ برابری ثابت، بی‌نهايت تبديل پذير نسبت به یکدیگر و نوسان‌کننده در مقابل ساير پول‌ها می‌باشد. کلمه "بهينه" در اصطلاح فوق بر حسب دو هدف کلان تعادل درونی و بیرونی اقتصاد تعريف می‌شود. تعادل درونی اقتصاد، ناظر به دست‌یابی موازنه بهينه بين نرخ بيكاری و نرخ تورم^۳ است و تعادل بیرونی اقتصاد، ناظر به دست‌یابی موازنه مطلوب و قابل دوام در وضعیت تراز پرداخت‌های خارجی اقتصاد است. که برای هر اقتصادی میزان آن ممکن است متفاوت باشد.

از نظر تاريخی بحث منطقه بهينه پولی به شايستگی نظام‌های ثابت و شناور ارزی در دست‌یابی به تعادل بیرونی و درونی اقتصاد برمی‌گردد و مقوله‌ای از تئوری بهينه دوم^۴ در اقتصاد می‌باشد، (کاوايی ۱۹۹۲).

تئوری بهينه اول شامل وضعیتی می‌شود که در آن قيمت‌ها دارای انعطاف کامل بوده و بازارهای سرمایه، کالا و عوامل تولیدی در مقیاس جهانی یکپارچه^۵ باشند و ناسیونالیسم

1. Robert A. Mundell

2. A Theory of Optimum Currency Areas (1961)

۳. در صورتی که چنین موازنه‌ای وجود داشته باشد.

4. Second- best Theory

5. Integrated

اقتصادی از طریق ایجاد موانع مصنوعی سبب چند پاره شدن بازارها نگردیده باشد. در این حالت، منطقه بهینه پولی از نظر وسعت، شامل کل جهان خواهد بود و برگشت اقتصاد به حالت تعادل پس از مواجهه با اختلالات عرضه‌ای و تقاضایی، به غایت ملایم^۱ بوده و با حداقل هزینه صورت می‌گیرد و منفعت ناشی از پول واحد به حداکثر می‌رسد. اما در حالت عدم دست‌یابی به چنان دنیای فاقد اصطکاک^۲، کاربرد تئوری بهینه دوم و به کارگیری پول واحد، براساس موازنه بین ارزش حال^۳ هزینه‌ها و منافع ناشی از هم پیوندهای پولی، در هر زیرمجموعه از مجموعه کشورهای جهان که دارای تناسب‌های لازم ساختاری باشند، معنی می‌یابد.

بدون ذکر جزئیات تئوریک و در یک جمع بندی کلی^۴، می‌توان منطقه بهینه پولی را منطقه‌ای دانست شامل دو ناحیه از یک کشور و یا دو کشور از یک منطقه جغرافیایی که در آن بازار کار و یا بازار سرمایه و یا بازار کالا دارای درجه بالایی از ادغام و هم پیوندی باشد. از این خصوصیات غالباً به عنوان معیارهای اقتصادی ارزیابی یک منطقه بهینه پولی یاد می‌کنند. در واقع مشخصه‌های فوق، تعدیل اقتصاد به حالت تعادل درونی و بیرونی را پس از مواجهه با یک تکانه اقتصادی تسهیل نموده و بر منافع ناشی از داشتن پول واحد و یا نرخ ارز ثابت در مقابل زیان‌های ناشی از آن می‌افزایند.

۲-۲ پاسخ سلبی

از دیدگاه سلبی کافی است که بررسییم براساس معیارهای منطقه بهینه پولی کدامیک از مناطق پولی جهان تاکنون آزمایش فوق را با موفقیت از سر گذرانیده‌اند؟ آیا جامعه اقتصادی اروپا وقتی در سال ۱۹۵۸ میلادی یک اتحادیه گمرکی تشکیل داد. منطقه‌ای بهینه بود؟ یا ۲۳ سال بعد، وقتی در سال ۱۹۹۱ میلادی معاهده ماستریخ را امضاء نمود؟

آیا اجماع و یا حداقل اکثریتی از اقتصاددانان وجود دارند که اتحادیه پولی اروپا را

1. Smooth

2. Frictionless economy

3. Present discounted value

۴. متأسفانه به دلیل کمبود جا و عدم تناسب با ذائقه عمومی خوانندگان این نشریه، ادبیات OCA در این نوشته نیامده است.

بر اساس معیارهای منطقه بهینه پولی، یک منطقه بهینه پولی بدانند؟ اگر به گذشته دورتری برگردیم، آیا ایتالیا وقتی در سال ۱۸۶۱ میلادی اتحادیه پولی تشکیل داد. یک منطقه بهینه پولی بود؟ و یا یک صد سال بعد چنین شد؟ به وضوح بر اساس معیار جابه‌جایی نیروی کار (ماندل ۱۹۶۱)، ایتالیا نمی‌تواند یک منطقه بهینه پولی به حساب آید، (فرتیانی و هاسکرچ^۱ ۲۰۰۲). کروگمن^۲ (۱۹۹۳) می‌گوید:

”ما هیچ دلیلی نداریم که قائل شویم ایالات متحده امریکا معرف یک منطقه بهینه پولی است.“ این در حالی است که ایالات متحده امریکا، به عنوان مدل پایه منطقه‌گرایی پولی در اتحادیه پولی اروپا از بدو تأسیس آن مطرح بوده است.

همچنین کروگمن (۱۹۹۵) می‌گوید:

”[ما] هیچ چیزی نداریم که به طور درست آن را مدل منافع ناشی از نظام ارزی ثابت و پول مشترک بنامیم... ما مسأله (انتخاب یک رژیم نرخ ارزی را) به اندازه کافی نظام داده‌ایم تا توافق حاصل شود که در این مسأله نوعی موازنه بین انعطاف اقتصاد کلانی در مقابل کارایی اقتصاد خردی مطرح است. متأسفانه، مانه کاملاً از شکلی که بعد اقتصاد کلانی موضوع را بیان کرده، خرسندیم و نه در حال حاضر راهی برای طراحی ابعاد اقتصاد خردی موضوع داریم.“

از مدل ایالات متحده امریکا و اروپای غربی که بگذریم، در هیچ یک از پنج منطقه پولی موفق دیگر جهان در چهل سال گذشته که بر بنیان‌های پولی به جامانده از دوره استعمار^۳ استوار

-
1. Fratianni and Hauskrecht
 2. Krugman
 3. Colonial rule

شده است، یعنی مناطق پولی کارائیب، جنوب آفریقا، شرق آفریقا، غرب آفریقا و مرکز آفریقا، معیارهای مربوط به منطقه بهینه پولی رعایت نشده است. این به آن معنی است که منطقه‌گرایی پولی در عمل بیش از آن که در راستای رعایت معیارهای اقتصادی منطقه بهینه پولی حرکت نموده باشد، به عنوان ابزاری سیاسی و سمبلیک در جهت برانگیختن تعهد منطقه‌ای کشورهای عضو به اصل همکاری و گسترش همکاری به سایر زمینه‌ها به کار رفته است. باید گفت که دلایل کافی تاریخی از وجود ارتباط بین منطقه‌گرایی پولی و هر یک از ابعاد امنیتی، مالی و حتی نظامی در گوشه و کنار جهان وجود دارد، (مک نامارا^۱ (۱۹۹۵)، تت (۱۹۹۵)، لی‌برد (۱۹۹۵)).

۲-۳ پاسخ ایجابی

از دیدگاه ایجابی، پاسخ ما به این پرسش که آیا کشورهای گروه شش به علاوه یک، منطقه بهینه پولی هستند، هم منفی و هم مثبت است. این پاسخ از آن جهت منفی است که در واقع مطالعه تجربی نشان می‌دهد که هیچ یک از شاخص‌های کلان اقتصادی در این کشورها در سال‌های اخیر شاهد هم‌گرایی نبوده‌اند. البته پتانسیل‌های منطقه جهت نیل به هم‌گرایی در مشخصه‌های عمده کلان اقتصادی، آن هم در آینده‌ای نه چندان دور و به شرط تحقق هم‌پیوندی پولی بین این کشورها قابل توجه است که به آنها در همین زیر قسمت اشاره خواهد شد. پاسخ ما از آن جهت مثبت است که حتی در پیشرفته‌ترین منطقه پولی جهان، یعنی منطقه پولی اروپا تحقق فعلی معیارهای منطقه بهینه پولی برای تشکیل یک منطقه پولی امری اجماعی نبوده است و در واقع موضوع به پیدایش دو مکتب و یا استراتژی اقتصادی در اتحادیه اروپا منجر شده است. از این هم گذشته، بصیرت‌هایی که اخیراً در موضوع منطقه‌گرایی پولی حاصل شده است، راه را به روشنی به نفع استدلال ما در ضرورت تشکیل یک اتحادیه پولی در گروه شش به علاوه یک باز می‌کند. ما این مطالب را در زیر به تفصیل بحث می‌کنیم.

۱. در واقع بین ۹۵-۱۹۶۵ میلادی، شانزده منطقه پولی در جهان شکل گرفته است و پنج منطقه از آنها (که در بالا ذکر شد) به استثنای اتحادیه پولی اروپا به نوعی موفق بوده‌اند.

2. McNamara, Tett, Libura

۱-۳-۲ پتانسیل‌های اقتصادی منطقه خلیج فارس

از نظر جابه‌جایی نیروی کار، بین استان‌های جنوبی ایران و اغلب این کشورها از دیرباز به رغم محدودیت‌های سیاسی، نیروی کار در رفت و آمد بوده است. مردم این کشورها از نظر تاریخی، زبان و فرهنگ بی‌مشابهت با مردم ایران به خصوص در مناطق جنوبی کشور نیستند. آب و هوا نیز عامل مشترک دیگری است که هم پیوندی را تشویق می‌کند. بنابراین، نمی‌توان پیش‌بینی نمود که اگر موانع سیاسی موجود بر سر راه جابه‌جایی نیروی کار برداشته شود و چشم‌انداز فعالیت اقتصادی پایدار در دو سو پدیدار گردید، مانع عمده‌ای بر سر راه ادغام بازار کار دو منطقه باقی بماند. به عبارت دیگر، برقراری پول واحد میان ایران و عربستان و یا هر یک از سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از نظر معیار ادغام بازار کار، به همان حد می‌تواند اشتباه تلقی شود که برقراری پول واحد میان استان تهران و خوزستان، از نظر شدت تجارت منطقه‌ای، همانگونه که اشاره شد، تجارت میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در چند سال اخیر و به دنبال اعلام اراده سیاسی حکام این کشورها به تقویت همکاری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی، روند رو به رشدی را در پیش گرفته است. از نظر امکان جابه‌جایی سرمایه نیز، می‌دانیم بخش غیردولتی این کشورها، هم ایران و هم شورای همکاری خلیج فارس، دارای سرمایه مالی عظیمی هستند که چنانچه موانع سیاسی موجود بر سر راه جابه‌جایی آزاد سرمایه برداشته شود و از نظر حقوقی، بسترسازی‌های لازم، تعهد اصیل متقابل و درجه بالایی از ادغام سیاسی بین این کشورها صورت گیرد، به گونه‌ای که مردم این کشورها امنیت سرمایه را باور نمایند، سرمایه‌های بومیان نه تنها از منطقه خارج نشده که از سراسر جهان به سیستم بانکی منطقه وارد خواهد شد. گرچه بخش عمده‌ای از چالش‌ها در این بخش، یعنی در غلبه بر سیستم انتظارات بخش خصوصی و دولتی قرار دارد. کشور بحرین از بازار مالی شناخته شده‌ای در سطح بین‌المللی برخوردار است و بهره‌گیری از یادگیری‌های تراکمی آن برای منطقه پولی با چشم‌انداز مالی مورد تأکید ما، یک فرصت مغتنم است. ایران و عربستان هر دو دارای ژست سیاسی نسبتاً چشم‌گیری هستند. ایران دارای ظرفیت‌های قابل توجه و آماده بهره‌برداری در بخش‌های انسانی و آموزشی است که به راحتی می‌تواند در خدمت شکوفایی اقتصادی منطقه قرار گیرد و عربستان سعودی دارای بانک مرکزی با نرخ تورم پایین است که در پایین آوردن نرخ تورم منطقه پولی

می‌تواند مؤثر باشد. فراتر از معیارهای کلاسیک منطقه بهینه پولی، ایران کشوری است نیازمند به سرمایه فیزیکی و با مردمی برون‌گرا که هر روز بر جمعیت جوان جویای کار آن افزوده می‌شود و مسأله اشتغال اولین هدف اقتصادی آن را در حال حاضر تشکیل می‌دهد.^۱ این کشور مدعی اجرای صحیح رژیم مردم سالاری دینی است و به خوبی توانسته است با ژستی در اندازه یک کشور صاحب سخن از نظر فرهنگی در سطح جهان ظاهر شود. چنین ژستی، یک سرمایه منطقه‌ای برای کشورهای گروه شش به علاوه یک می‌تواند محسوب شود. الگوی مردم سالاری دینی که می‌توان آن را نوع ترخیم شده‌ای از مردم سالاری لیبرال دانست و با مؤلفه‌های فرهنگی مردم این منطقه از جهان هم‌خوانی دارد، گزینه‌ای نافع برای رژیم‌های حاکم بر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از جهت نیل به مشروعیت لازم اجتماعی و ثبات سیاسی می‌تواند باشد. مردم کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از نظر اجتماعی به آموزش مماشات و مسامحه و از نظر اقتصادی به آموزش کار و تلاش نیازمندند که هر دوی آنها از طریق در ارتباط نزدیک قرار گرفتن با مردم ایران قابل رفع است و الا نه یک بخش خصوصی مولد در این کشورها پاخواهد گرفت و نه امکان تصدی درست امور از سوی مردم بومی پدید خواهد آمد.

از سوی دیگر، در ایران بخش خصوصی از نظر تاریخی به صورت بدنه‌ای ضعیف، نسبتاً جدا و از نظر اقتصادی بی‌اعتماد نسبت به دولت در آمده و عمدتاً خود را در فعالیت‌های غیرمولد درگیر نموده است. راه فائق آمدن بر این مشکل گسترش کلوچه ظرفیت‌های تولیدی و سرمایه‌ای کشور، راه‌یابی به یک نظام حقوقی کارا و در نتیجه ایجاد امنیت تولیدی و دست‌یابی به یک دولت معتبر^۲ از نظر اقتصادی است که نیل به این مقاصد، به نظر ما، در شرایط حاضر تنها از طریق یک حرکت فرامرزی و منطقه‌ای امکان‌پذیر است.

۱. دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام نموده است که در سال جاری در نظر دارد یک میلیون شغل جدید ایجاد نماید. بی‌تردید این یک ضرورت است اما نگرانی ویژه ما این است که این‌گونه اقدامات شجاعانه وقتی در چارچوبی یک جانبه به مورد اجرا گذاشته شود و وقتی کشور به دلیل درگیر شدن در اختلالات بیرونی سیاسی و اقتصادی، نتواند به یک استراتژی معتبر و کلان اقتصادی دست یابد، خود می‌تواند به هدردهی سرمایه کمیاب کشور منجر گردد. در واقع از نظر روش شناسی، دست یازیدن ما به منطقه‌گرایی پولی، جست‌وجویی است برای یافتن یک لنگر معتبر (A credible anchor) که براساس آن بتوان به نظم و استراتژی کلان اقتصادی پایدار و معتبر دست یافت.

2. Credible

توجه به این پتانسیل‌ها به ما می‌فهماند که یک اتحادیه پولی در منطقه خلیج فارس حتی در غیاب تناسب‌های ساختاری مورد نظر ادبیات منطقه بهینه پولی می‌تواند شکل گرفته و در گذر زمان و به تدریج صلاحیت‌های لازم مورد اشاره آن ادبیات را به دست آورد. منبع دیگر ما برای این استنتاج، تحولات صورت گرفته در اتحادیه پولی اروپا و بصیرت‌هایی است که پس از تشکیل این اتحادیه حاصل شده است، که در زیر قسمت بعدی، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۲-۳-۲ استراتژی‌های اقتصادی نیل به یک اتحادیه پولی

با نگاهی به تحولات اتحادیه پولی اروپا و مباحث پولی صورت گرفته در دهه ۱۹۷۰ میلادی جامعه اقتصادی اروپا، می‌توان به ریشه‌های دو استراتژی پولی در رسیدن به اتحاد پولی با عناوین مکاتب اقتصادی و پولی پی برد.

مکتب اقتصادی با اسم کارل شیلر^۱، وزیر امور اقتصادی و دارایی آلمان غربی و مکتب پولی با اسم ریمون بار^۲، که بعداً نخست‌وزیر فرانسه شد، شناخته می‌شود، (سوان^۳ ۱۹۹۸)، این دو مکتب با درجات مختلفی از شدت و ضعف در اتحادیه اروپا تا پیمان ماستریخ در سال ۱۹۹۱ میلادی همچنان مورد بحث قرار می‌گرفتند و امروز هم از نظر علمی به قوت خود باقی هستند و در مورد بحث ما هم پیرامون صلاحیت کشورهای گروه شش به علاوه یک جهت هم‌پیوندی پولی مطرح می‌باشند. براساس مکتب اقتصادی، اتحادیه پولی جایزه‌ای در نظر گرفته می‌شد که تنها در انتهای فرآیند زمان برهم‌گرایی اقتصادی بین کشورها قابل دسترسی بود. چنین مکتبی فایده اتحادیه پولی را در حذف هزینه‌های تبدیل ارزی و جلوگیری از نااطمینانی‌های ناشی از نوسانات نرخ ارز می‌دید. درحالی که براساس مکتب پولی، اتحادیه پولی فراتر از هدف حذف هزینه‌های تبدیل ارزی، به عنوان وسیله‌ای در نظر گرفته می‌شد که روند هم‌گرایی و ادغام اقتصادی را تسهیل و رهبری می‌نمود. بنابراین درحالی که مکتب اقتصادی، بر سازگاری از پیش موجود^۴ در طبیعت و ساختار کشورهای منطقه پولی به عنوان پیش شرط ورود به یک اتحادیه

1. Karl Schiller

2. Raymond Barre

3. Swann

4. Ex-ante vs, Ex-post

پولی تأکید می‌ورزید، مکتب پولی، بر اثرات برون‌زایی^۱ و سرریزی‌های^۲ ناشی از هم‌پیوندی پولی، ماهیت کالای عمومی بودن "پول" و بالاخره تعامل استراتژیک اقتصادهای منطقه پولی ارزش می‌گذاشت.

بر اساس دیدگاه پولی، وجود اراده و عزم سیاسی بالای کشورهای شرکت‌کننده در هم‌پیوندی پولی، هماهنگی‌های ممکن آنان در سیاست‌های پولی، مالی و اجتماعی و پای‌بندی به اصل همکاری متقابل^۳ در مواجهه با عدم تقارن‌های ساختاری و تصادفی، اجزای کلیدی دست‌یابی به یک اتحادیه پولی کامل در آینده محسوب می‌شدند. در این دیدگاه، پول واحد، اسبی بود که کالسکه هم‌پیوندی اقتصادی، سیاسی و امنیتی را به جلو می‌راند.

۲-۳-۴ بصیرت‌های به دست آمده پس از تشکیل منطقه پولی اروپا

پس از تشکیل منطقه پولی اروپا، نیز بصیرت‌هایی حاصل شد که توجه به آنها می‌تواند درستی رویکرد ما در پی‌گیری هدف اتحادیه پولی برای گروه شش به علاوه یک را مورد تأکید قرار دهد:

بصیرت اول، این بود که تا قبل از تشکیل منطقه پولی اروپا تصور می‌رفت که دست‌یابی به یک اتحاد سیاسی باید امری مقدم بر دست‌یابی به یک اتحاد پولی باشد. تشکیل سیستم پولی اروپا^۴ در مارس ۱۹۷۹ میلادی و رخداد هجوم سوداگران^۵ پولی سپتامبر ۱۹۹۲ به آن، که به خروج انگلیس و ایتالیا و بازگشت مجدد آنان به اتحادیه اروپا انجامید، نشان داد که تشکیل یک اتحادیه پولی می‌تواند در غیاب یک اتحادیه سیاسی حتی شکل بگیرد. به عبارت دیگر، تا قبل از اتحادیه پولی اروپا، از نظر تاریخی همه اتحادیه‌های پولی بر بقایای نهادی به جا مانده از دوران استعمار کهنه بنیان گذاشته شده بود و در ثوری هم حصول اتحاد سیاسی امری مقدم بر تشکیل اتحاد پولی فرض می‌شد. اما در اتحادیه پولی اروپا برعکس، یکی از اهداف مورد پی‌گیری

1. Exogenous effects
2. Spill-over effects
3. Reciprocity or cooperation principle
4. European Monetary System
5. Speculative attack

اتحادیه پولی، رسیدن به اتحاد سیاسی و پشت سر گذاشتن تاریخ خون بار گذشته اروپا بود، (میر ۱۹۹۰).

بصیرت دوم از منطق تراکمی هم پیوندی ناشی می‌شود که اولین بار در سال ۱۹۹۷، توسط سوکالیس^۱ مورد بسط و شرح قرار گرفت. به این ترتیب که منطقاً هم پیوندی در یک بخش به هم پیوندی در بخش‌های دیگر سرایت می‌کند و به مرور زمان همه بخش‌های زندگی را دربرمی‌گیرد. زیرا کشورها در فرآیند هم پیوندی با گذشت زمان اعتماد بیشتری نسبت به یک دیگر پیدا نموده و همان‌گونه که طعم شیرین موفقیت و میوه هم پیوندی را در یک بخش می‌چشند، به گسترش آن در بخش‌های دیگر تشویق می‌گردند. بنابراین براساس این بصیرت، یک اتحادیه پولی می‌تواند پیوندهایی را که در نهایت به شکل‌گیری یک اتحادیه سیاسی منجر می‌شود، تقویت نماید ولو آن که چنین اتحادی در ابتدا غیر ممکن جلوه نماید.

سومین بصیرت پس از تشکیل اتحادیه پولی اروپا، به یافته‌هایی مربوط می‌شود که پیروزی مکتب پولی پیشین را بر مکتب اقتصادی، به اثبات می‌رساند و بر منافع پول واحد متمرکز است. براساس این یافته‌ها، هم پیوندی با پول واحد منفعتی را قابل مقایسه با خالص منافع ناشی از هم پیوندی اقتصادی به بالا می‌آورد. بنابراین برای پی‌گیری هم پیوندی اقتصادی، پول واحد سلاحی قوی و برنده به شمار می‌رود. زیرا پول واحد به شفافیت بیشتر قیمت‌ها، افزایش قابلیت پیش‌بینی در هزینه‌های تولیدی، افزایش اعتماد نسبت به قراردادهای بلندمدت در اثر حذف تغییرات ناگهانی در نرخ واقعی ارز منجر شده و تجارت "درون بنگاهی" و "درون صنعتی"^۲ بین کشورهای عضو اتحادیه را افزایش می‌دهد، (ون فورستنبرگ ۲۰۰۲). افزایش تجارت به نوبه خود به افزایش تقارن تکانه‌های اقتصادی در یک اتحادیه پولی انجامیده و بهره‌وری پول واحد را بالا می‌برد و به این ترتیب کشورهای عضو روز به روز در همان حال که عضو یک اتحادیه پولی هستند، صلاحیت بیشتری را جهت عضویت در اتحادیه، براساس ملاک‌های ادبیات منطقه بهینه پولی به دست می‌آورند. فرنکل و رز (۱۹۹۸) از این پدیده با عنوان درون‌زایی دو معیار "بالا بودن پیوندهای تجاری"^۳ و "بالا بودن همبستگی تکانه‌های وارده" در تشکیل یک منطقه بهینه پولی یاد

1. Tsoukalis

2. Intra-firm and intra-industry trades

3. High trade intensity and high cross-country correlation of business cycles

نموده‌اند. رز (۲۰۰۰) نشان داده است که اثر اتحادیه پولی با پول واحد بر تقویت جریان تجارت به مراتب بیشتر از اثر یک نظام ارزی ثابت^۱ بر آن می‌باشد. همچنین گلیک و رز^۲ (۲۰۰۱) در چارچوب آزمون داده‌های سری زمانی نشان داده‌اند که در طول قرن بیستم، ورود کشورها به اتحادیه‌های پولی، با افزایش جریان تجارت و خروج آنها از اتحادیه‌های پولی با کاهش جریان تجارت دو جانبه همراه بوده است.

چهارمین بصیریت در پی وقوع بحران‌های مالی مکزیک (۹۵-۱۹۹۴ میلادی)، جنوب شرقی آسیا، (۱۹۹۷ میلادی) و روسیه (۱۹۹۸ میلادی) و مشاهده تأثیر زبان‌بار آنان بر نظام مالی بین‌المللی حاصل شد. به این ترتیب که روشن شد بخش عمده‌ای از وارد شوندگان به بازارهای مالی بین‌المللی، معامله‌کنندگان کشورهای در حال توسعه و کوچک هستند. پول این کشورها در مقایسه با پول کشورهای با اقتصاد بزرگ و با ثبات، غیررقابتی به حساب می‌آید. نگاه داشتن این پول‌ها دارای فایده چندانی برای استفاده در مبادلات بین‌المللی مالی نیست. انجام مبادلات مالی الکترونیکی جهان به پول‌های قوی، هم پیوندی‌های منطقه‌ای بین پول‌های نسبتاً قوی و آزادسازی‌های جهانی همه در جهت از بین بردن قدرت انحصاری پول‌های کشورهای کوچک و در حال توسعه عمل می‌نماید، (ون فورستنبرگ ۲۰۰۲). این پول‌ها عمدتاً در صورتی که متعلق به اقتصادهای با ساختار مالی ضعیف باشند، در معرض هجوم‌های سوداگران پولی قرار می‌گیرند. اغلب وارد شوندگان به بازارهای مالی بین‌المللی به اقتصادهایی تعلق دارند که دارای ساختار مالی توسعه نیافته، با چارچوب‌های ضعیف مالی از نظر حقوقی، حسابداری و تنظیم مقررات، با نظارت غیرمکفی بر سیستم مالی و بانکی از حیث روش شناسی و پرسنلی و با پیشینه‌ای مملو از دخالت‌های سیاسی، رشوه و گرایش به تمایلات جناحی می‌باشند. بنابراین کاملاً طبیعی است که با آزادسازی‌های مالی در مقیاس جهانی و ضعف نسبی این کشورها از حیث مالی، بیماری پول‌های آنان و آثار زبان‌بار بیماری‌های پولی به نظام مالی بین‌المللی سرایت نماید. اهمیت پی‌بردن به این بصیرت از این جهت است که اولاً معلوم می‌شود که فایده پول‌های کشورهای کوچک و در حال توسعه روز به روز در حال کاهش است و بنابراین این کشورها باید به سمت هم

۱. این رامی‌توان یک مزیت مربوط به اتحادیه پولی متمرکز در مقابل اتحادیه پولی غیرمتمرکز به شمار آورد.

2. Glick and Rose

پیوندی‌های پولی و مالی در جهت دستیابی به قدرت انحصاری پول واحد در نظام بین‌المللی حرکت نمایند. ثانیاً معلوم می‌شود که این حرکت به دلیل کمک شایان آن به ثبات بیشتر بازارهای مالی جهانی، حرکتی است مورد تشویق و حمایت کشورهای صاحب قدرت هژمونی اقتصادی در جهان.

بصیرت پنجم از این موضوع ناشی می‌شود که یک بانک مرکزی مشترک در اتحادیه پولی بتواند علاوه بر نقش تنظیم‌کنندگی پولی، برخلاف اتحادیه پولی اروپا^۱ نقش تنظیم‌کنندگی امور مالی منطقه پولی را نیز عهده‌دار شود، (استکمن^۲ ۲۰۰۱).

در این صورت، بانک مرکزی مشترک در مقام پیش‌گیری از ورشکستگی صنعت مالی و بانکی کشورهای عضو، مقررات حفاظت مالی مانند لزوم اجرای بیمه، ذخیره بانکی، ذخیره احتیاطی، محدودیت دارای و ذخیره اجباری سرمایه‌ای، بازبینی عملیات و تسهیلات وام‌دهندگی آخرین لحظه را در سیستم بانکی اتحادیه تنظیم نموده و مورد نظارت قرار می‌دهد. این مقررات از یک سو، به فایده مبادله‌ای پول در گردش افزوده و شهرت بین‌المللی پول منطقه‌ای را بالا می‌برد. از سوی دیگر با کاستن از تفاوت بین قیمت مطلوب خریداران و فروشندگان مالی^۳ برکارایی مالی منطقه پولی افزوده و با توسعه خدمات مالی پیشرفته به دلیل افزایش رقابت مالی، صنعت مالی را عمق و وسعت^۴ می‌بخشد. تحقق این ویژگی‌ها، کلید جذب سرمایه از خارج منطقه پولی و دستیابی به یک رشد اقتصادی پایدار است. سالم‌سازی و تقویت جریان وجوه مالی در درون اتحادیه پولی و اعتمادپذیر نمودن آن، همچنین عملیات مربوط به وام‌دهندگی در آخرین لحظه^۵ را در شرایطی که اقتصادهای منطقه‌ای با تکانه‌های اقتصادی نامتقارن برخورد نمایند، غیرضرور می‌نماید. این بصیرت در نقطه مقابل نقش کلاسیک یک بانک مرکزی مشترک قرار می‌گیرد. زیرا، اساس ادبیات منطقه‌گرایی پولی تاکنون عمدتاً بر نقش تثبیت‌کنندگی بانک

۱. نقش تنظیم‌کنندگی مالی در اتحادیه پولی اروپا حاوی ابهامانی می‌باشد. (گودهارت ۲۰۰۰).

2. Stockman
3. Bid and ask spreads on asset prices
4. Financial depth and completeness
5. Lender-of-last-resort operation

مرکزی مشترک در مواجهه با تکانه‌های اقتصادی^۱ متقارن مبتنی بود. بنابراین اگر عمده تکانه‌های وارده بر اقتصادهای درون یک منطقه پولی نامتقارن تشخیص داده می‌شدند، در آن صورت به جای داشتن یک بانک مرکزی مشترک، تبعیت از سیاست پولی مستقل و جدا شدن از اتحادیه برای اعضاء توصیه می‌شد. حال آن که براساس بصیرت اخیر، چنانچه بانک مرکزی مشترک نقش تنظیم‌کنندگی صنعت مالی منطقه پولی را عهده‌دار باشد، منطقه پولی در برخورد با تکانه‌های اقتصادی نامتقارن نسبت به تکانه‌های متقارن دارای مزیت بیشتری خواهد بود و این نتیجه‌ای است در نقطه مقابل استدلال تثبیت‌کنندگی اقتصادی یک بانک مرکزی مشترک. استکمن (۲۰۰۰) برای حل بعد تناقضی این نتیجه با وظیفه کلاسیک پیشین بانک مرکزی اتحادیه، به قانون اعداد بزرگ در روی هم ریختن ریسک^۲ متوسل می‌شود. به این ترتیب که هرچه یک منطقه پولی بزرگ‌تر می‌شود، تکانه‌های نامتقارن بیشتری را قادر خواهد بود که در ناحیه بزرگ‌تر شده خود داخلی^۳ نماید. زیرا در یک بازار مالی نسبتاً قوی و وسیع منطقه‌ای وجوه مالی به راحتی و با ضریب بالایی از اطمینان، از منطقه اقتصادی آسیب‌نندیده به منطقه آسیب‌دیده انتقال یافته و لزوم دست‌یازیدن به عملیات وام‌دهندگی آخرین لحظه بانک مرکزی مشترک را غیر ضرور می‌نمایند.

۳. هزینه‌های امنیتی منطقه‌گرایی پولی در خلیج فارس

به نظر می‌رسد دو نوع هزینه، در یک نگاه کلی، در باب منطقه‌گرایی، خواه پولی و یا تجاری و سیاسی، قابل تصور است: نخست هزینه‌های بیرون‌مانند از ترتیبات اقتصادی و پولی جهان، در شرایطی که جهان حاضر به سرعت در جهت شکل‌دهی و تقویت این ترتیبات گام برمی‌دارد، که ما آن را در قسمت چهارم نوشتار پی می‌گیریم و دوم هزینه‌های ایجاد یک اتحادیه پولی که ما در زیر به توضیح درباره آن می‌پردازیم:

1. Economic or real shock
2. Appeals to the law of large numbers to pool risk to reverse the traditional macro proposition.
3. Internalize

۳-۱ ساختار امنیتی منطقه و هزینه‌های ایجاد یک اتحادیه پولی

به طور کلی، سه نوع هزینه در تشکیل یک اتحادیه پولی متصور است: هزینه خودگردانی^۱، هزینه ملی‌گرایی و هزینه انعقاد موافقت‌نامه همکاری پولی.

هزینه خودگردانی شامل هزینه‌های اقتصادی است که در ادبیات منطقه بهینه پولی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از دست دادن استقلال در سیاست پولی به عنوان ابزاری جهت تعدیل اقتصاد در شرایط مواجهه با تکانه‌های خارجی اقتصادی و یا از دست دادن درآمد تورمی^۲ که در حالت استقلال سیاست پولی میزان آن به مراتب بیشتر از میزانی است که بانک مرکزی منطقه پولی ممکن است به صورت سهمیه آن را در اختیار قرار دهد، نمونه‌هایی از هزینه‌های خودگردانی هستند که از بعد سیاسی و امنیتی نیز حائز توجه می‌باشند (گلشنر^۳ ۱۹۸۹). وقتی یک کشور در معرض بی‌ثباتی سیاسی و یا تهدید امنیتی از سوی همسایگان خود قرار می‌گیرد، اهمیت هزینه‌های خودگردانی بیشتر می‌شود.

هزینه ملی‌گرایی با از دست دادن پول ملی که سبب مشروعیت یک دولت مدرن است، پیوند دارد (هلینر^۴ ۱۹۹۷). وقتی دو دلی و یا کینه توزی تاریخی، عقیدتی و یا سیاسی نسبت به شرکای منطقه‌ای وجود دارد، این هزینه‌ها بیشتر خود را نشان می‌دهند.

هزینه‌های انعقاد قرارداد همکاری پولی از دو هزینه قبلی بیشتر حائز اهمیت است. این هزینه‌ها شامل زمان و منابع لازم جهت مذاکره و سازمان‌دهی و ایجاد نهادهای همکاری است، که نقش کارایی سیستم دیپلماسی کشورها در اینجا ظاهر می‌شود. اتحادیه‌ها معمولاً در این بخش از هزینه‌ها از حرکت باز می‌ایستند. به عنوان مثال، رهبران کشورهای آسیای جنوب شرقی هنوز به نحو مؤثر در این خصوص که آسیا باید برحسب عامل قومیت و یا جغرافیا تعریف شود، نتوانسته‌اند به توافق دست یابند، (فرانکل ۱۹۹۷). رهبران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز هنوز روی این که قوانین مربوط به همکاری پولی شامل چه محتوایی باشد، نتوانسته‌اند تصمیم‌گیری نمایند.

-
1. Autonomous cost
 2. Seigniorage or inflation tax
 3. Glasner
 4. Helleiner

نکته کلیدی این است که وقتی نگاهی به تاریخچه مناطق پولی جهان می‌اندازیم، مشاهده می‌کنیم که تمام این مناطق یا بر بنیان‌های پولی به جا مانده از دوره استعمار بنا شده‌اند و یا توانسته‌اند مشکلات امنیتی خود با همسایگان‌شان را از طریق ایجاد نهادهای امنیتی مناسب حل نموده و به هر حال به هزینه‌های سه گانه فوق غلبه نمایند.

تنها منطقه پولی موفق و غیربنا شده بر بنیان‌های پولی استعماری جهان، اتحادیه پولی اروپا است که در زیر چتر امنیتی سازمان همکاری‌های نظامی ناتو تشکیل شده است. اعتبار و موفقیت بالای ناتو، نیاز به درآمد توری به منظور حفظ امنیت ملی را در میان اعضای اتحادیه پولی اروپا از بین برده است.

امنیت منطقه‌ای بیش از هر چیز دیگر از دو عامل تأثیر می‌پذیرد: ساختار امنیت منطقه‌ای و نهادهای امنیتی منطقه‌ای^۱ (کوهن^۲ ۱۹۶۹)، میرس^۳ (۱۹۹۸). حال باید ببینیم این هزینه‌ها در کشورهای گروه شش به علاوه یک به چه صورتی درمی‌آیند.

از نظر ساختار امنیت منطقه‌ای، خلیج فارس از مناطقی است که احتمال وقوع جنگ در آن، همچنان که تجربه گذشته نشان داده، بالا است. زیرا این منطقه دارای ساختار تمرکز میانه^۴ از نظر امنیتی است. در این منطقه، تعدادی کشور کوچک و تعدادی کشورهای متوسط از نظر قدرت اقتصادی وجود دارند و کشوری که بتواند براساس معیارهای کوهن و میرس، ثلث کل تولید ناخالص منطقه را به خود اختصاص دهد و بنابراین کشوری بزرگ در مقیاس منطقه‌ای به شمار رود، وجود ندارد. از نظر آنان، درحالی که کشورهای کوچک قادر نیستند سیستم امنیت منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهند، کشورهای متوسط می‌توانند به تنهایی و یا با شرکت در گروه چنین کنند. اگرچه این کشورها به تنهایی و برخلاف کشور بزرگ که تعداد آن در هر منطقه براساس تعریف فوق بیش از یکی نیست، قادر نیستند به سامان‌دهی سیستم امنیتی منطقه همت گمارند.

منسفیلد^۵ (۱۹۹۴) رابطه‌ای U شکل بین درجه تمرکز در ساختار امنیت منطقه‌ای و

-
1. Regional security institution and regional structure
 2. Keohane
 3. Mares
 4. Moderately concentrated
 5. Mansfield

احتمال وقوع جنگ تعریف نموده است. از نظر او اگر منطقه‌ای دارای کمترین درجه تمرکز امنیتی باشد، به دلیل وجود تعداد زیاد کشورهای کوچک و ائتلاف‌های متعادل کننده، احتمال وقوع جنگ پایین است. به همین ترتیب اگر منطقه‌ای دارای بیشترین درجه تمرکز از نظر ساختار امنیتی باشد، در آن صورت، کشوری که به نحو چشم‌گیر از بقیه کشورها بزرگ‌تر است. منافع زیادی را برای خود در جنگ با همسایگان بسیار کوچک خود متصور نمی‌بیند و بنابراین احتمال وقوع جنگ باز هم پایین است. اما اگر منطقه از نظر تمرکز ساختار امنیتی، دارای درجه‌ای میانه باشد، در آن صورت و سوسه تخطی از مسیر همکاری و دامن زدن به جنگ در میان کشورهای متوسط بالا خواهد بود. منطقه خلیج فارس دارای چند قدرت متوسط مانند ایران، عراق، عربستان، ترکیه، پاکستان و چند قدرت خیلی کوچک مانند بحرین، امارات متحده عربی، کویت، عمان و قطر است. درست است که عراق در شرایط فعلی در وضعیتی نیست که قدرت قابل توجهی از حیث اقتصادی و نظامی به شمار رود و ترکیه نیز در مسیر مشارکت در منطقه پولی اروپا گام برداشته و نگاهش را به منطقه اروپا معطوف داشته، لکن ساختار امنیت منطقه‌ای به اندازه کافی نگران کننده است که سبب حرکت جدی کشورهای منطقه به سوی طراحی یک نهاد همکاری امنیت جمعی قابل دوام و معتبر شود. به نظر ما در شرایط فعلی، منطقه پولی گروه شش به علاوه یک، می‌تواند این منظور را برآورده نماید. زیرا گامی است از نظر امنیتی به سوی تمرکز ساختاری و در نتیجه کاستی از احتمال وقوع جنگ، ضمن آن که نظام این همکاری‌ها در آینده می‌تواند به سایر کشورها مانند عراق و افغانستان گسترش یابد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴. هزینه بیرون ماندن از ترتیبات آتی پولی جهان

همان‌گونه که در زیر قسمت پیشین آمد، یکی از هزینه‌های عمده منطقه‌گرایی پولی در گروه فرضی شش به علاوه یک، هزینه‌های مربوط به طراحی سازمان همکاری‌ها، انعقاد معاهده پولی و ایجاد بانک مرکزی مشترک است. به نوبه خود حرکت در این راستا، هزینه‌های دیگری را به منظور بستر سازی‌های لازم حقوقی و تغییرات لازم در سیستم اداری و احتمالاً قانون اساسی کشورهای عضو مطرح می‌نماید. برای پی بردن به بزرگی نسبی این هزینه‌ها، باید دید در الگوی جایگزین، چه فرصت‌های بین‌المللی دیگری فراروی کشورهای منطقه در جهان آینده وجود

دارد. اگر نتوان چشم انداز روشنی از این فرصت‌ها در حال حاضر ترسیم نمود، در آن صورت بزرگی هزینه‌های هم پیوندی پولی مورد نظر ما و دشواری کار، نباید مانع از جستجوی رفاه و بهروزی اقتصادی باشد. در این زیر قسمت، ما به منظور روشن شدن هزینه فرصت تشکیل اتحادیه پولی در کشورهای گروه شش به علاوه یک، به جایگاه محتمل کشورهای منطقه خلیج فارس در ترتیبات پولی جهان اشاره می‌نماییم.

جهان قرن بیست و یکم جهانی است منطقه‌گرا از نظر اقتصادی، فرنکل (۱۹۹۷) معتقد است که جهان آینده دارای دو و یا سه منطقه پولی خواهد بود. این مناطق عبارتند از: منطقه پولی یورو که به تدریج کشورهای اروپای مرکزی و شرقی را نیز در خود جای خواهد داد و تا مرزهای ترکیه به سمت شرق پیش خواهد رفت.^۱ منطقه دوم، منطقه دلار است که کلیتون آن را در کنفرانس دسامبر ۱۹۹۴ میلادی سران کشورهای نیم کره غربی در شهر میامی امریکا تحت عنوان ایده تشکیل بلوک مستقل اقتصادی با عنوان "منطقه آزاد تجاری کشورهای امریکایی"^۲ موسوم به FTAA مطرح نمود و سران کشورها آن را پذیرفتند. منطقه سوم، منطقه پولی ین خواهد بود. گرچه این احتمال وجود دارد که جهان آتی، جهانی با دو منطقه پولی باشد. زیرا ین به نظر نمی‌رسد بتواند به سرعت اعتبار یک پول منطقه‌ای را به دست آورد.^۳ در صورت اخیر، منطقه دلار شامل گروه کشورهای آپک^۴ رو به بزرگ شدن خواهد شد که در حال حاضر شامل کشورهای استرالیا، برونئی، کانادا، شیلی، چین، تایوان، هنگ کنگ، کره جنوبی، اندونزی، ژاپن، مالزی، مکزیک، نیوزیلند، کینه نو پاپائو، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و امریکا است. این منطقه، دو میلیارد نفر (یعنی نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت جهان) و ۵۵ درصد از تولید جهان را، براساس آمارهای سال ۱۹۹۷ میلادی در خود جای داده است. در صورت جاافتادن این بلوک رو به شکل‌گیری، در مجموع دو بلوک یورو و دلار ۹۰ درصد از تولید جهان را در خود جای خواهند داد.

۱. این که منطقه مزبور، ترکیه را در برگیرد. در حال حاضر درباره آن اظهار نظر قطعی نمی‌توان نمود ولی با اندکی خوش‌بینی محتمل است در نهایت چنین شود.

2. Free Trade Area of Americas

۳. گرچه در آوریل ۲۰۰۲ میلادی نخست وزیر ژاپن ایده تشکیل منطقه پولی آسیایی را مشابه منطقه پولی یورو مورد اشاره قرار داد.

4. Asia Pacific Economic Cooperation

نکته مهم این است که چه جهان آتی، جهانی با دو و یا سه بلوک بزرگ پولی باشد، جایگاه کشورهای منطقه خلیج فارس در هیچ یک از این بلوک‌ها در حال حاضر چشم‌انداز روشنی ندارد. فرنکل (۱۹۹۷) در تخمین معادله جاذبه تجاری خود برای سال‌های ۹۲-۱۹۶۵ میلادی، تمام کشورهای قاره آسیا و از جمله کشورهای منطقه خاورمیانه را با عنوان "قاره آسیا" در معادله خود به عنوان یک متغیر مجازی وارد نموده و نتیجه گرفته است که اولاً کشورهای شرق آسیا، تورش^۱ مثبت را در تجارت به درون خود نشان می‌دهند^۲ و ثانیاً اگرچه هر دو کشور در بلوک آسیا (با گنجانیدن کشورهای خاورمیانه در این بلوک) روی هم رفته با یکدیگر تجارتی بیشتر از دو کشور دیگر معمولی در مجموعه داده‌های او دارند، لکن چنین نتیجه‌ای می‌تواند از واردات نفت از سوی کشورهای جنوب و شرق آسیا از مبداء خاورمیانه ناشی شده باشد. کشورهای منطقه خلیج فارس به دلیل داشتن اقتصاد نوعاً تک محصولی نفتی، از نظر درآمد و ساختار تکانه‌های دریافتی، درحالتی کاملاً نامتقارن نسبت به کشورهای صنعتی آسیایی قرار می‌گیرند و بنابراین منطقاً نمی‌توانند عضو یک بلوک اقتصادی آسیایی باشند. منطقه یورو نیز به نظر ما، جدای از تکرار مشکل فوق، کشورهای مسلمان را در آینده درخود جای نخواهد داد و هم پیوندی با منطقه امریکایی دلار نیز بر فرض امکان، به دلیل بعد طولانی مسافت، فاقد توجیه اقتصادی بوده و به قول فرنکل مشتمل بر منطقه گرایی فراطبیعی^۳ خواهد بود. ضمن این که جای کشورهای مسلمان به لحاظ گرایشات ایدئولوژیک در آن بلوک نیز نیست. تا آنجا که به ایران مربوط می‌شود، ایران کشوری است دارای مسائل کهنه و تقریباً لاینحل از نظر سیاسی با امریکا و دارای گسستگی چشم‌گیر اما ملایم سیاستی در رابطه با کشورهای منطقه یورو. از نظر شدت تجاری، در آزمون آماری ما هر کشور واقع در نیم کره غربی برای سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۰ میلادی، ۱۷۷ درصد کمتر از یک کشور معمولی دیگر در مجموعه داده‌های ما با ایران تجارت داشته است. این درحالی است که نسبت فوق برای سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۸۰ میلادی ۱۴۴ درصد منفی بوده است. یعنی موضع تجاری ایران با بلوک فرضی فوق در دوره پس از انقلاب منفی‌تر شده است. سهم تجارت ایران با امریکا برای متوسط سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۷ میلادی معادل یک درصد کل تجارت ایران با

1. Biased

۲. این نکته برای طرفداران استراتژی گسترش به سمت شرق، به جای غرب باید جالب توجه باشد.

3. Supranational

کشورهای نیم کره غربی، یعنی در شعاع ۷۰۰۰ کیلومتری و بیشتر از تهران و مساوی با سهم تجارت ایران با هر یک از کشورهای کوبا، شیلی و پرو بوده است. سهم تجاری منطقه یورو با ایران برای متوسط سال‌های ۹۹-۱۹۹۷ میلادی در حدود ۳۶ درصد از کل تجارت خارجی ایران است. یعنی ۹۰ درصد از تجارت خارجی ایران، در شعاع ۳۳۰۰ تا ۵۳۰۰ کیلومتری از تهران با کشورهای منطقه پولی یورو صورت پذیرفته است. در آزمون آماری ما برای سال‌های ۹۹-۱۹۹۰ میلادی ایران به طور متوسط $2.8 = (1 - e^{1.34})$ برابر با هر کشور عضو منطقه یورو بیشتر از سایر کشورها در مجموعه داده‌های ما تجارت داشته است. این نسبت برای آزمون اول یعنی سال‌های ۸۹-۱۹۸۰ میلادی $2 = (1 - e^{1.10})$ بوده است. یعنی تمایل تجاری به سوی منطقه یورو در سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی ۸۰ درصد نسبت به یک دهه قبل افزایش داشته است. بر همین اساس، دومین گزینه منطقه‌گرایی برای ایران در چارچوبی یک جانبه و یا دوجانبه، تشکیل اتحادیه پولی غیرمتمرکز با منطقه پولی یورو را در جای دیگر پیشنهاد نموده‌ایم. اما مشکل اساسی عمده در گسترش هم پیوندی‌های پولی با منطقه یورو، گسستگی سیستماتیک سیاستی در دو طرف است. این آنالیزها به ما حکم می‌کنند که باید هر چه سریع‌تر به سمت هم پیوندی پولی با تحمل همه هزینه‌های آن در منطقه خلیج فارس حرکت نماییم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

1. Mundell, Robert, A., A Theory of Optimum Currency Areas, *American Economic Review*, Vol. 51, No. 4, September 1961, pp. 657-65.
2. Swann, Dennis, *The Economics of the Common Market*, 6th edition, London: Penguin Books, 1998.
3. Von Furstenberg, George M., *Market Pressures for International Currency Consolidation: Insurance Aspects of Monetary Union*, Paper presented at the AFA/NAEFA Session on Global Financial Infrastructure, Atlanta, January 4, 2002a.
4. ____, One Region, One Money: The Potential Contribution of Currency Consolidation to Financial Stability in the Developing World, In Michele Fratianni, Paolo Savona and John Kirton, eds., *Governing Global Finance: New Challenges, G7 and IMF Contributions*, Aldershot, 2002b, Forthcoming.
5. Tsoukalis, Loukas, *The Politics and Economics of European Monetary Integration*, London: George Allen and Unwin, 1977.
6. Frankel, Jeffrey A. And Andrew K. Rose, The Endogeneity of the Optimum Currency Area Criteria, *The Economic Journal*, 108, 1998, pp. 1009-25.
7. Rose, Andrew K., One Money, One Market: The Effects of Common Currency on Trade, *Economic Policy*, April 2000, pp. 9-45.
8. Reuven Glick and Andrew K. Rose, Does A Currency Union Affect Trade?, The Time Series Evidence <http://haas.Berkeley/arose>, November 21, 2001.
9. Stockman, Alan, Optimal Central Bank Areas, Financial Intermediation, and Mexican Dollarization, *Journal of Money, Credit and Banking*, 33, 2001, pp. 648-666.

10. Fratianni, Michele and Andreas Hauskrecht. *A Centralized Monetary Union for MERCOSUR*, Paper presented for the Conference on "Euro and Dollarization: Forms of Monetary Union in Integrated Regions", Fordham University and CEPR, New York, April 5-6 2002.
11. Goodhart, Charles, A.E. (ed.), *Which Lender of Last Resort for Europe?*, London: Central Banking Publications, 2000.
12. Kenen, Peter B., The Theory of Optimum Currency Area: An Eclectic View, In Robert A. Mundell and Alexander K. Swoboba, eds., *Monetary Problems of the International Economy*, Chicago: Chicago University Press, 1969.
13. Krugman, Paul, What do we need to know about the International Monetary System? Essays in *International Finance*, No. 190, Princeton: Princeton University Press, 1993.
14. ____ ,The Political Economy of Monetary Union, In "*Understanding Interdependence, the Macroeconomics of the Open Economy*", ed., Peter Kenen, Princeton: Princeton University Press, 1995.
15. Kawai, Masahiro, Optimum Currency Areas, In the *New Palgrave Dictionary of Economics*, Vol. 3, 1992, pp. 78-81.
16. Mayer, Thomas et al., *Money, Banking and the Economy*, 4th edition, New York: W.W. Norton & Company, 1990.
17. Helleiner, Eric, *National Currencies and National Identities*, Presented at: Annual Meeting of the American Political Association, Washington, 1997.
18. Frankel, et al., *Regional Trading Blocs in the World Economic System*, Institute for International Economics, Washington, DC., 1997.
19. Mansfield, Edward D., *Power, Trade and War*, Princeton University Press, 1994.



پڙهه ڪاھ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی